روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲


# روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۱۹ اسفند ۱۳۹۶ • ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ • ۱۰ مارس ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۰۵ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۸:۲۵ • اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۱

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com


حرف درشت

## گزارش دیدار محرمانه ترامپ و جونگ اون!

پوریا عالمی

• در خبرها خواندیم دونالد ترامپ دعوت کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی، را برای ملاقات پذیرفته است. گزارش محرمانه این دیدار را برای اولین‌بار منتشر می‌کنیم:

دونالد: خیلی خوشحالم که از نزدیک من رو می‌بینی!

کیم: من هم از اینکه به‌هرحال تونستی بی‌نقص‌ترین بشر روی زمین را با چشم‌های خودت ببینی برات خیلی خوشحالم.

دونالد: ببینم این چیه روش نشستی؟

کیم: این بمب اتمه. بزنی زمین هوا میره.

دونالد: کیم... تو باید بمب اتمت را بدی من ببرم. من خودم یه آرشیو از بمب دارم. مال تو رو هم می‌خوام.

کیم: آخه این یادگار بابامه. گفت پسرم با این بمب بزن دهان کشورهای همسایه و باقی جهان را مسواک کن، چراکه مسواک دهان به نفع کشورهاست.

دونالد: کیم... کیم... ولی تو باید منطقی باشی پسر. وقتی این‌طوری میگی، دیگران حساس میشن. تو باید یه طوری بگی که انگار داری به‌خاطر خودشون اونهارو بمبارون می‌کنی.

کیم: چطوره یه روز تو هم بمب‌هات رو بیاری بریم بازی.

دونالد: باحاله. کجا بازی کنیم؟

کیم: همین کره‌جنوبی چطوره؟

دونالد: کیم... کیم... چه کاریه پسر... بیا بریم خاورمیانه... ما همه واسه بازی میریم خاورمیانه... اونجا خیلی باحاله... انگلیسی‌شون هم خوب نیست و هرچی دادوهوار راه میندازن کشورهای اروپایی و سازمان ملل فکر می‌کنند دارند موسیقی نواحی و اقوام اجرا می‌کنند.

کیم: دونالد... من امروز به مناسبت ورود تو تصمیم گرفتم چندتا از فامیل‌هام و مقامات کشور رو اعدام کنم. چند نفر رو هم قبل ورودت کشتم. دو، سه‌تا رو هم گذاشتم وقتی رفتی بکشم.

دونالد: کیم... کیم... تو واقعا آدم رو معذب می‌کنی... گفتم که راضی به زحمت نیستم تدارک ببینی. گفتم همون کاری که همیشه می‌کنی بکن.

کیم: اوه دونالد... راستی سازمان ملل چی میگه این وسط؟ هی قام‌قام می‌کنه واسه من؟ هان؟

دونالد: اونارو ول کن بابا. از عربستان یاد بگیر. چرا پول نمیدی سازمان ملل؟ شاید ازت حمایت نکنن، ولی حداقل دیگه بهت گیر نمیدن.

کیم: اوه پسر... تو خیلی خوبی. پس چرا من از آمریکا بدم میاد؟

دونالد: راستش من هم از آمریکا بدم میاد. برای همین هرکاری دارم می‌کنم که در جهان منفور و منزوی بشه. اون اوبامای قدبلند خوب بود... یه اداهایی درمی‌آورد و یه حرفایی می‌زد انگار آمریکا ارث باباشه. درحالی‌که آمریکا ارث بابای منه. می‌خوام بفروشمش... مشتری سراغ داری؟

کیم: دونالد... من هم مثل تو اهل معامله‌ام. من الان فقط بمب اتم دارم. می‌خوای با آمریکا تاخت بزنی و بعد برای خودت یه کشور خوب پیدا کنی؟ یا می‌خوای من با بمب بزنم آمریکا رو منفجر کنم، بعد تو بیای پیش خودم؟

دونالد: چه پیشنهاد عجیبی دادی. حال کردم. بذار الان توییت می‌کنم ببینم مردم چه حرف‌های جدیدی بارم می‌کنند... .

نکته

## سؤال‌های سخت جواب‌های صادقانه

• **شرق:** به تازگی برای دهمین سال متولی بنیاد گیتس، ۱۰ سؤال سختی را که از آنها پرسیده شده پاسخ داده‌اند. آنها سؤالاتی نظیر: چرا فعالیت‌هایی در زمینه فرهنگ‌های دیگر انجام می‌دهند، آیا با کمک به کودکان به رشد جمعیت دنیا کمک می‌شود، چرا در خود آمریکا پولشان را خرج نمی‌کنندو... را پاسخ داده‌اند. از آنها حتی سؤالاتی شده همچون: وقتی یکی از آن دو مخالف باشد، چه اتفاقی می‌افتد و آیا واقعا عادلانه است که آنها این همه در جهان تأثیرگذار هستند یا این سؤال که واقعا از بخشیدن ثروت خود چه به دست می‌آورند و البته از تأثیر ریاست‌جمهوری ترامپ بر فعالیت‌هایشان هم پرسیده شده است. بیل گیتس مهم‌ترین تأثیر سیاست‌های ترامپ بر فعالیت‌هایشان را در زمینه کمک‌های خارجی دانسته و پاسخ داده است: «آمریکا طی دهه‌ها به عنوان رهبر مبارزه با فقر و بیماری در جهان شناخته شده است، این تلاش‌ها زندگی مردم را نجات می‌دهد و مشاغلی را در کشور ایجاد می‌کند. این‌گونه دنیا مکان امن‌تری می‌شد. ملیندا گیتس نیز با اشاره به کمک‌هایی که برای جوانان برای دریافت مدارک تحصیلی در نظر گرفته‌اند، معتقد است: « یکی از وظایف رئیس‌جمهور ایالات متحده، الگوسازی ارزش‌های آمریکایی در جهان است. من آرزو می‌کنم که رئیس‌جمهور ما با افراد و به‌ویژه زنان با احترام بیشتری در سخنرانی‌ها و گفتارهایش رفتار کند. برابری یک اصل مهم ملی است. تقدس هر شخص بدون‌توجه به نژاد، مذهب، گرایش جنسی یا جنسیت بخشی از روحیه کشور ماست. رئیس‌جمهور مسئولیت دارد نمونه خوبی از اینها را به نمایش بگذارد و از طریق اظهارات و سیاست‌هایش به همه آمریکایی‌ها قدرت ببخشد».

کارتون خواب

ثنا حسین‌پور

سونامی خاموش واردات اسباب بازی های چینی!

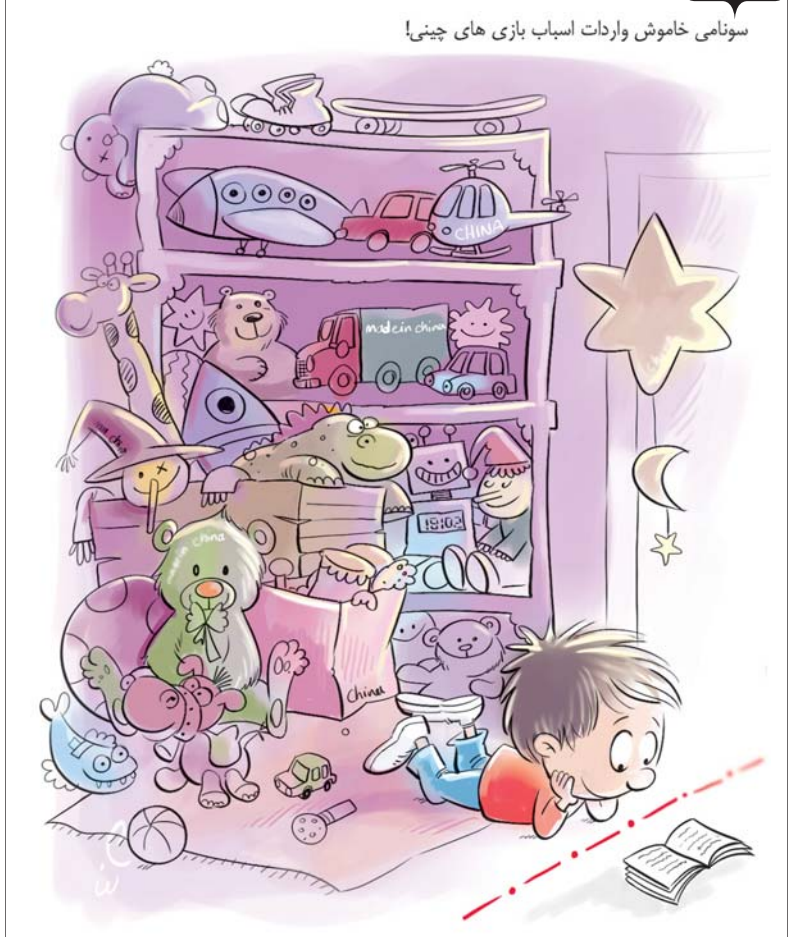


زنانی که من دیده‌ام

## یک روز به پاسداشت ۳۶۵ روز

زهرا عمرانی

شش زن ایرانی در سازمان ملل، در برابر زنانی از جای جای جهان، از دستاوردها و توانمندی‌هایشان سخن می‌گفتند و شنوندگان از قصه‌های زنان کارآفرین ایران، بسیار متأثر شده بودند. باور جایگاه آن زنان برایشان ساده نبود و مدام تکرار می‌کردند که در کشورهای توسعه‌یافته هم حتی به سختی می‌شود چنین زنان قدرتمندی را یافت. پیشتازانی در عرصه‌های مختلف کسب‌وکار از دامداری و کشاورزی تا صنعت و تجارت و آموزش.

این تصویر از زیباترین تصاویری است که هر بار در این زمان از سال برایم تداعی می‌شود. پرتنوع‌ترین جمعیت زنانی که دیده‌ام، در اجلاس سالانه جهانی مقام زن بود، گردهمایی حدود هشت هزار زن، از ملت، قومیت، رنگ، نژاد و دین متفاوت. زنانی که هرکدام به نحوی نماینده زنان دیگر جامعه خود بودند و جمع شده بودند تا در مورد راهکارهایی برای بهبود وضعیت زنان در جهان هم‌فکری کنند. در ۱۰ روز نشست، بیش از ۶۰۰ برنامه برگزار شد که رکورددار اجلاس‌های مشابه در سالیان گذشته بود. از ایران نیز علاوه بر نمایندگان دولت که برنامه ویژه خود را داشتند، چهار سازمان مردم‌نهاد در برنامه‌های مستقلی از فعالیت‌هایشان در حوزه زنان سخن گفتند. من و دوستان همراه از طرف «بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان» راوی دستاوردهای سالیان گذشته درخصوص کارآفرینی زنان بودیم. صحبت ما در روز دوم اجلاس با عنوان «نسل‌های مختلف کارآفرینی زنان در ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها» برگزار شد.

زن، کارآفرینی و ایران سه کلمه‌ای که به‌قدر کافی تأثیرگذار بودند تا سالن پر شود و شرکت‌کنندگان مشتاق، سراپاگوش در گوشه و کنار بایستند. پس از صحبت شش نفر از زنان کارآفرین، جمع‌بندی مختصری ارائه کردم. همچون زنانی که ذکرشان در هفته‌های گذشته در این ستون رفته، این شش زن نیز تفاوت‌های اساسی‌ای با هم داشتند.

ازجمله اینکه نه‌تنها در دهه‌های سنی مختلف از زندگی خود بودند، بلکه در دهه‌های مختلفی از زندگی خویش کسب‌وکار خود را راه انداخته بودند، برخی در عنفوان جوانی و بلافاصله پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه و برخی پس از کسب تجربه کاری و حتی بعد از بازنشستگی. از نظر تحصیلات نیز برخی از آنها تحصیلات مرتبط با کسب‌وکار خویش داشتند و برخی تحصیلاتی کاملا نامرتبط. برای تأمین منابع مالی هم استراتژی‌های متفاوتی برگزیده بودند؛ یکی خانه مسکونی خود را فروخته بود تا بتواند سرمایه اولیه برای شروع کارش به پا کند و دیگری از بانک وام گرفته بود و یکی از دوستان و آشنایان پول جمع کرده و در واقع به آنان سهام فروخته بود. با وجود این تفاوت‌ها آنها شباهت‌هایی نیز داشتند؛ از جمله اینکه همگی از پشت‌گرمی و حمایت خانواده شامل مادر، پدر، همسر یا فرزندانشان برخوردار بودند. کسب‌وکارشان را از کوچک شروع کرده، در طول سالیان رفته‌رفته رشد کرده و در کارشان تثبیت شده بودند و حال در کنار فعالیت اقتصادی خود، داوطلبانه به فعالیتی اجتماعی مشغولیت داشتند. چون بسیاری زنان شاغل دیگر این روزگار، عمده‌ترین چالش آنها ایجاد تعادل میان کار و زندگی بود.

تجربه حرفه‌ای کمتر در شروع کار نسبت به مردان هم‌صنف و کمبود اتحادیه‌های حرفه‌ای زنان از دیگر سختی‌های اول راهشان بود. اما آنها بلد بودند از زمان و منابع اندکی که داشتند، به‌درستی استفاده کنند. اراده و خواست قوی نیروی محرکه‌شان بود و توانسته بودند از طریق فعالیت‌های اجتماعی و صنفی، برای خود اعتبار حرفه‌ای ایجاد کنند و این مسیر پرفرازونشیب را بپیمایند. با نگاهی عمیق‌تر به این شش زن و زنان مشابه دیگری که در آن نشست دیدم، بیراه نیست اگر بگویم هریک از زنان هرکجای دنیا که هستند می‌توانند با پشتکار و عزم قوی، تنظیم درست وقت و استفاده از قدرت و اعتبار انجمن‌های صنفی کسب‌وکاری پردوام راه بیندازند.

واقعیت آن است که روز جهانی زن بهانه‌ای است برای مرور این تلاش‌ها و دستاوردها. بهانه‌ای تا موانع راهی که رفته‌ایم را مرور کنیم، نوآوری و خلاقیت‌هایمان در این راه را بشماریم و خود را آماده کنیم برای تلاش بیشتر. بهانه‌ای تا به خود یادآوری کنیم که جهان قدردان و متأثر است از آنچه زنان به دست آورده‌اند.

روزی تا کنار هم از خواسته‌ها و باورها و داشته‌ها و دستاوردهایمان سخن بگوییم. اما بیایید به خود یادآوری کنیم هرچند یک روز در سال به نام زنان شده، اما این روز تنها روز زنان در سال نیست.

پشت جلد

## اصلاحات چپ است!

کریم ارغنده‌پور

در مهم‌ترین دانشگاه‌های دنیا امروز وقتی درس توسعه می‌دهند، توسعه در کشورهای توسعه‌یافته را از توسعه در کشورهای در حال توسعه جدا می‌کنند. این نکته بسیار مهمی است که تا چند دهه پیش عدم توجه به آن خسارت‌بار بود. دقیقا نسخه‌ای که برای رشد اقتصادی در یک کشورِ با درآمد بالا به کار گرفته می‌شود، برای یک کشورِ با درآمد کم تجویز نمی‌شود و قس‌علی‌هذا. در مسائل اجتماعی هم این نکته جاری است؛ مثلا نحوه مواجهه با آسیب‌های اجتماعی فقر یا کنترل روندهای اجتماعی. به این معنا اگر در کشوری برای کاهش فقر، بین شهروندان پول یا خدمات توزیع کنند، ممکن است عین همین روش در کشوری با شرایط دیگری توصیه نشود. بنابراین یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در این زمینه رویکردهای اقتصادی است. رویکرد اقتصادی اکثر کشورهای توسعه‌یافته هم‌اینک لیبرالی است (که محل چالش گسترده است) ولی مطالعات انطباقی نشان داده همین رویکرد لزوما برای کشورهای فقیر -حداقل تا وقتی سطح سرانه ملی در آنها به حد معینی نرسد- راهگشا نیست. دردمندانه عرض می‌کنم از مهم‌ترین مشکلات ما هم‌اکنون این است که تفکیک درستی در این زمینه وجود ندارد. اکثر سیاسیون ما تصور می‌کنند برای راهگشایی اصولی در اقتصاد ابتدا باید پاره‌ای اصلاحات سیاسی ایجاد شود. بر همین مبنا اصولا بحث‌های اقتصادی ثانویه و فرعی محسوب می‌شود. از سوی دیگر اندیشمندان اقتصادی تصور می‌کنند با پیگیری نظریات اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند الگوهای مؤثر اقتصادی را در کشور پیاده کنند. این هم خطاست. این دو راهبرد لازم و ملزوم یکدیگرند. نظریات اقتصادی بخش تفکیک‌ناپذیر اصلاحات سیاسی هستند. این تأسف‌آور است که کسی تصور کند فعال سیاسی است ولی در اقتصاد مطالعه و انتخابی ندارد. مثل این است که شما نتایج عملی شعار چپ را با شعار راست‌گرا یکی فرض کنید. اینها زمین تا آسمان متفاوت است. به نظرم از مهم‌ترین نقاط ضعف اصلاحات در دوره خود، هژمونی سیاست بر سایر جنبه‌ها و ازجمله اقتصاد بود. همین مسئله سبب شد اقتصاد بدون یک انتخاب راهبردی در دست افرادی (البته محترم) قرار گیرد که انتخاب شخصی‌شان تقریبا راست (مدرن) بود. با شناخت عرض می‌کنم اساسا جریان اصلاحی در کشور اگر به گفت‌وگوی کلان و همه‌جانبه در این زمینه اقدام کند نتیجه‌اش لزوما گرایش راست نخواهد بود. اصلاحات در ماهیت به دنبال حقوق عمومی، احترام به آزادی‌های قانونی و گفت‌وگوست. اصلاحات بر این مبنا نزدیک‌ترین جریان به اخلاق و انسان‌محوری است. اخلاق اجتماعی سیاست‌های اقتصادی لیبرالی را در قسمت آسیب‌های گریزناپذیرش نمی‌پذیرد. مثلا از مهم‌ترین نکات دراین‌باره نحوه تعامل با فقیرترین اقشار اجتماعی (پایین‌ترین دهک‌های اجتماعی) است. یک راهبرد به دنبال ایجاد چتر حمایتی و توانمندسازی این قشر است و سیاستِ دیگر تصور می‌کند در اثر بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی وضعیت این قشر خودبه‌خود بهبود می‌یابد. به نظر من تا زمانی که نتوان برای تأمین حداقل‌ها در این قشر تضمین داد اصلاحات اخلاقا نمی‌تواند آنها را بین هوا و زمین رها کند. اصلاحاتی که چنین کند اساسا در مبنا اصلاحات نیست چون حقوق انسانی و شهروندی آنها را رعایت نکرده است. من تصور می‌کنم اصلاحات امروز به نقطه‌ای از بلوغ رسیده که بتواند به این سؤال اساسی پاسخ روشن بدهد. جامعه ما امروز در معرض نابرابری‌های عمیق، کاهش روزافزون منابع درآمدی و از سوی دیگر فساد ساختاری است. برای مقابله با اینها باید پاسخ روشن داشت. اعتراضات دی‌ماه این ضرورت را دوچندان و فوری‌تر می‌کند. نمی‌توان براساس فشارهای اجتماعی یا رسانه‌ای یا سیاسی تصمیمات کلانی گرفت که نقطه هدف آن چندان روشن نیست. توزیع یارانه، نرخ ارز، بهره بانکی، فسادهای مربوط به گردش پول و امثال آن نباید لزوما تابع سیاست‌های روزمره و کشاکش‌های سیاسی باشد. همه مردم باید از امکانات اساسی زیست حداقلی برخوردار باشند و این مسئله نیازمند گفت‌وگوهای نخبه‌ای بیشتر است. سیاست‌های راست‌گرایانه در این زمینه در معرض چالش جدی است و چنانچه اصلاحات در این زمینه زودتر به فکر نباشد، چه‌بسا قافیه را به پوپولیسم بی‌ریشه مجددا ببازد. اصلاحات عدالت‌جوست، آرمان‌خواه است، درد مردم فقیر و محروم دارد، حق‌جوست، به فکر پیشرفت و توسعه و آبادانی ایران است، در پی تفاهم بیشتر در داخل و خارج است، عقل‌گرا و علمی است، ولی پوپولیست عوام‌فریب نیست. مسالمت‌جو و از خشونت بیزار و به‌دور است و تصور می‌کند می‌توان گره‌ها را به انگشت تدبیر گشود و برای مردم روزگار بهتری را رقم زد.

پیشنهاد

**چشم‌انداز ایران**
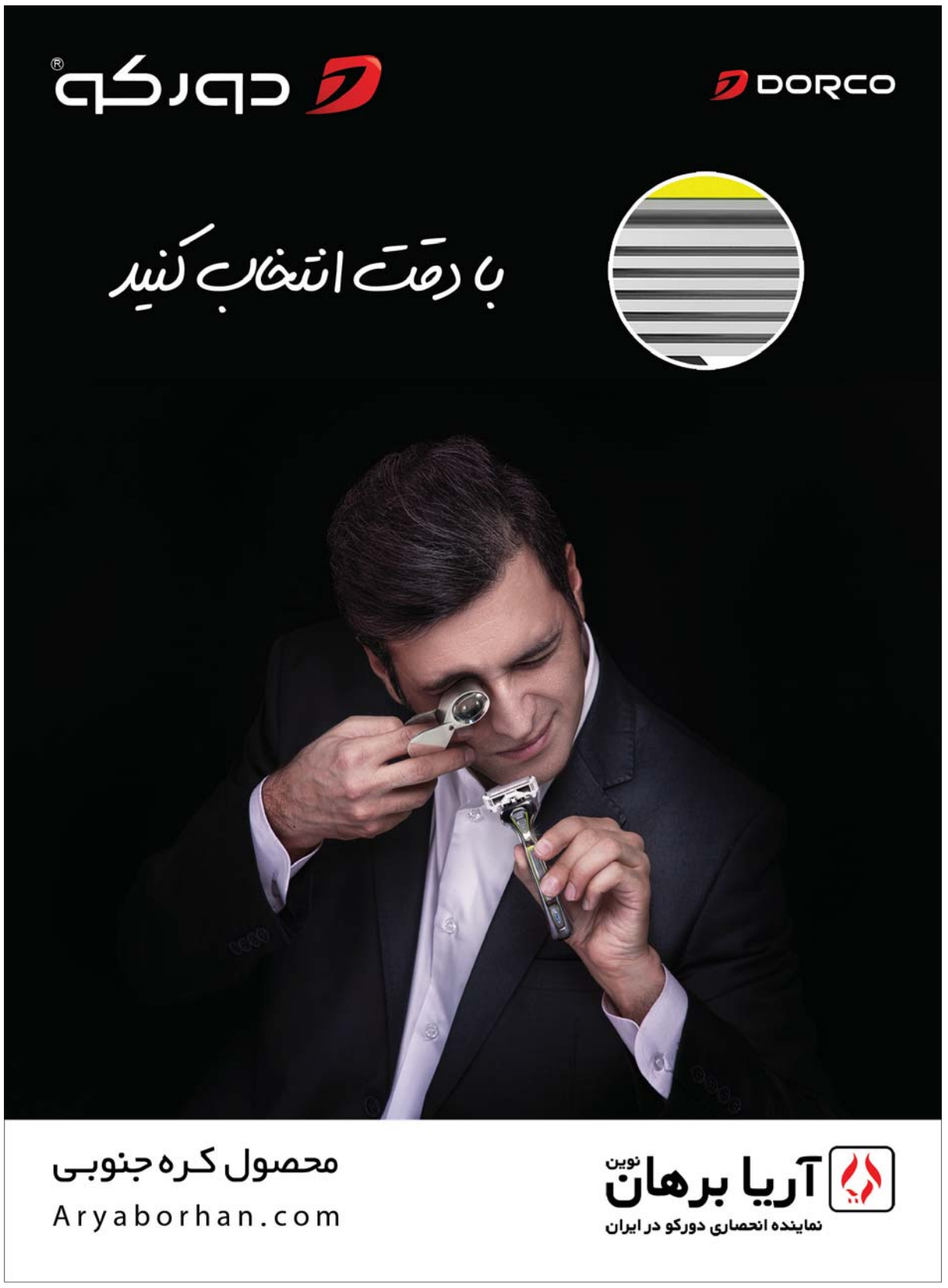
دوماهنامه سیاسی-راهبردی چشم‌انداز ایران اسفند ۹۶ و فروردین ۹۷ در ۱۲۸ صفحه با قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر شد. گفت‌وگو با مصطفی معین درباره شتاب‌زدگی آفت جان توسعه، گفت‌وگو با هادی خانیکی با عنوان «دانشگاه مسئله‌گریز» و گفت‌وگو با فیروزه صابر از مطالب این شماره است. در این شماره پرونده‌ای درباره قانون در محاق در زمانه و زمینه حکومت رضاشاه با مطالبی از داریوش رحمانیان، حسین آبادیان، مهدی غنی و سعید مدنی تهیه شده است. همچنین چالش صلح در سرزمین مقدس با نگاهی به طرح آمریکا برای صلح فلسطین و اسرائیل با نوشته‌های احمد زیدآبادی و محمد عطایی بررسی شده است. «چگونگی دستیابی به آزادی و عدالت تحلیلی» از لطف‌الله میثمی و «جایگاه آمایش سرزمین و توسعه پایدار» در گفت‌وگو با داودرضا عرب در کنار تحلیل زهرا بازرگان درباره ترک تحصیل با عنوان «مقابله با ترک تحصیل دانش‌آموزان - مسئولیت همگانی» از مطالب منتشرشده در شماره ۱۰۸ چشم‌انداز ایران است.